

## مصاحبه با فضانوردان شاتل



شاتل اندیور اولین فضایی است که به سوی ایستگاه فضایی بین المللی پرواز کرد به همین منظور، همزمان با انجام آخرین ماموریت برنامه های فضایی شاتل های ناسا توسط آتلانتیس، روزنامه لاریوبلیکا با اولین و آخرین فضانورد اروپایی که با شاتل اندیور به ایستگاه فضایی سفر کردند مصاحبه کرده است.

جام جم آنلاین: شاتل اندیور اولین فضایی است که به سوی ایستگاه فضایی بین المللی پرواز کرد به همین منظور، همزمان با انجام آخرین ماموریت برنامه های فضایی شاتل های ناسا توسط آتلانتیس، روزنامه لاریوبلیکا با اولین و آخرین فضانورد اروپایی که با شاتل اندیور به ایستگاه فضایی سفر کردند مصاحبه کرده است.

به گزارش مهر، این روزها شاتل آتلانتیس در حال انجام آخرین ماموریت فضاییهای ناسا است تا به این ترتیب به عصر شاتل ها پایان دهد. در این راستا روزنامه لاریوبلیکا مصاحبه ای را با &#171;اومبرتو گوئیدونی» و &#171;روبرتو ویتوری» فضانوردان آژانس فضایی اروپا انجام داد.

این دو، اولین و آخرین فضانوردان اسا هستند که به ایستگاه فضایی بین المللی سفر کردند و این سفر خود را با شاتل اندیور انجام دادند.

&#171;اومبرتو گوئیدونی» به ترتیب در ماموریت های شاتل کلمبیا در سال 1996 و شاتل اندیور در سال 2001 شرکت کرد و روبرتو ویتوری نیز در آخرین ماموریت اندیور که ماه گذشته انجام شد حضور داشت و به ایستگاه فضایی بین المللی رفت.

این شاتل در ماموریت STS-88 دسامبر 1998 اتاقک Unity node را در مدار قرار داد. این اتاقک، اولین بخش ایستگاه فضایی بین المللی است که نخستین بار توسط شاتل اندیور به فضا برده شد و به همین دلیل اولین سفر یک شاتل به ایستگاه فضایی به نام این ماموریت به ثبت رسید.

### اولین فکر در زمان حرکت

روبرتو ویتوری: چند دقیقه قبل از پرتاب را به یاد می آورم. دو زانو نشسته بودیم و بالا را نگاه می کردیم. یک توده ابر بود که می توانست مانع پرتاب شود. یک دسته عقاب بر فراز دماغه شاتل به پرواز درآمدند. شمارش معکوس بالاخره به صفر رسید. حرکت: صدای موتورها را شنیدم و در این لحظه به عقابهای بیچاره فکر کردم.

اومبرتو گوئیدونی- فقط به این سؤال ها فکر می کردم: واقعاً این فضا چگونه خواهد بود که این همه برای ما از آن تعریف می کنند؟ الان چه اتفاقی می افتد؟

### زیباترین فکر فضانوردان

روبرتو ویتوری: خاموش شدن موتورها. شتاب از صفر تا 25 هزار کیلومتر بر ساعت تنها در مدت 8 دقیقه و 40 ثانیه پس از پرتاب. و اینکه ... نمی دانم می دانید یا نه. در ناسا سنتی وجود دارد که براساس آن فضانوردان چند کارت را که روی آنها تفکرات ساده را می نویسند به خانواده های خود می دهند و خانواده ها تنها زمانی که همه چیز به خوبی پیش رود می توانند آنها را باز کنند. وقتی موتورها خاموش شد فکر کردم که خانواده ام مشغول باز کردن کارتها هستند.

اومبرتو گوئیدونی: در طول ماموریت اول با شاتل کلمبیا من دانشمند تیم بودم. به نظرم شگفت انگیز می رسید. وقتی در رشته فیزیک درس می خواندم حتی در روپا هم نمی دیدم که روزی به آن بالا برسم.

### عمیق ترین فکر

روبرتو ویتوری: امسال ناسا به ما دوربینهای عکاسی با حساسیت بسیار بالایی داد. من چند زاویه بسیار تاریک را پیدا کردم و از آن زاویه ها از آسمان پر ستاره عکس گرفتم. چطور می توانی این کار را بکنی و فکرهای عمیقی نداشته باشی؟

اومبرتو گوئیدونی: در این فضاییهای شگفت انگیز هستی و فکر می کنی که چه کاری می توانی انجام دهی. فکر می کنی که چرا به ماه باز نگشتیم؟ چرا به دور زدن در اطراف زمین با این شاتل ادامه نمی دهیم؟

زشت ترین فکر

اومبرتو گوئیدونی: آزمایشی که موفق نشد و من هنوز کنفرانس خبری آن را به یاد می آورم. همه تیم به سؤالاتی که از زمین می رسید جواب می دادند. حال و هوای بسیار غم انگیزی بود. در آن زمان هنوز اینترنت نبود و ما تلکس داشتیم که با آن از هاستون پیامی برای ما رسید: «#171;لطفاً لبخند بزنید!»

روبرتو ویتوری: تنها در لحظه پرتاب این فکر که خانواده ات که تو را نگاه می کنند و تا چه نگران هستند آزار دهنده است.

خجالت آورترین فکر

روبرتو ویتوری: در جاذبه صفر، هر عملیات بسیار ساده ای نیز می تواند بغرنج باشد. من باید دیواری از آب را بر روی نمای داخلی یک اتاقک می ساختم. تنها به خاطر یک خطای ساده در اثر عدم تعادل کل دیواره اشتباه شد. چه خجالتی!

اومبرتو گوئیدونی: در ایستگاه ما در فضایی بسیار تنگ زندگی می کنیم. فقط به این فکر کنید که می خواستید حمام کنید. خوشبختانه من همیشه با تیم هایی که همه آقا بودند پرواز کردم.

زیباترین خوابی که فضانوردان دیدند

اومبرتو گوئیدونی: من حتی خواب هایی را که روی زمین می بینم به یاد نمی آورم. اما به خاطر دارم که تازه روی زمین برگشته بودیم که با حس بیرون آمدن از تختخواب متحرک از خواب بیدار شدم. مثل همان تخت هایی که در شاتل داریم. خوشبختانه بیدار شده بودم!

روبرتو ویتوری: به جای پر کلی مو به ما چسبیده است که با آنها نمی توانیم پرواز کنیم و بعد ناگهان خود را در جاذبه صفری پیدا می کنی که بدنت را به طور عجیبی معلق نگه می دارد. در گنجی میان خواب و بیداری، مغز احساسات عجیبی را پردازش می کند. مثل این است که به خودت از بیرون نگاه می کنی.

خوبترین و بدترین چیزها

اومبرتو گوئیدونی: چیز خوب خوب وجود ندارد. اما خوب ترین چیزی که من با خودم از خانه برده بودم پنیر پارمن بود.

روبرتو ویتوری: در واقع این باید یک راز می ماند: اما برای اولین بار ما در ایستگاه ترتیب یک ناهار ایتالیایی را دادیم که از گزیده ای از غذاهای شمالی تا جنوبی ایتالیا بود.

اومبرتو گوئیدونی: بدترین چیز به طور قطعی، قهوه است. قهوه آمریکایی حتی روی زمین هم خوب نیست چه برسد به فضا!

روبرتو ویتوری: از پائولو نسپولی که شش ماه در ایستگاه بود خواستم که برای خوردن چیزی به من بدهد. هرگز مثل آن را ندیده بودم. میوه خشک بود. گلابی خشک. مزه اش وحشتناک بود. رنگم عوض شد! و نسپولی با خونسردی به من گفت: «#171;بی خیال! بدتر از این هم هست!»

اولین فکر پس از فاجعه شاتل کلمبیا

اومبرتو گوئیدونی: در آن زمان من در هلند در آژانس فضایی اروپا بودم که به من زنگ زدند و خبر را گفتند. وحشتناک بود. حادثه مربوط به همان فضاییمی بود که من در ماموریت اول خود سوار آن بودم.

روبرتو ویتوری: من در خانه خود در هاستون بودم. به حال رفتم و در تلویزیون اولین تصاویر فاجعه را دیدم. در آنجا دوستان زیادی بودند. فضانورد مادری که همراه با بچه هایش در خروجی مرکز فضایی جانسون در هاستون منتظر آمدنش بودیم.

درباره پرواز آخرین شاتل

روبرتو ویتوری: در این مورد حتی با اوپاما هم که برای بدرقه ما آمده بود حرف زدیم: اینکه این تصمیم گیری مطمئناً جنبه فنی ندارد. چرا که این ماشین خیلی مطلوب است و هنوز می تواند پرواز کند.

اومبرتو گوئیدونی: در آینده درباره شاتل آنطور حرف خواهیم زد که امروز درباره آپولو حرف می زنیم. من سوپرمن بودم و الان خودم را بازنشسته می بینم.